

تقریر مقررین سامانه فقاہت از درس خارج فقه استاد سید کاظم مصطفوی؛
1399/04/21



موضوع: کتاب الطهارة/أحكام الأموات /بحث و تحقیق تکمیلی درباره‌ی توبه و امور مربوط به آن

بحث و تحقیق تکمیلی درباره‌ی توبه و امور مربوط به آن

گفته شد که معنای توبه به تعبیر سیدطباطبایی و حقیقتها الندم ، وهو من الأمور القلبية ، ولا يكفي مجرد قوله : «أستغفر الله» بل لا حاجة إليه مع الندم القلبي ، وإن كان أحوط ، ويعتبر فيها العزم على ترك العود إليها ، والمرتبة الكاملة منها ما ذكره أمير المؤمنين (عليه السلام) . [1] تا اینجا این شد که توبه مقومى دارد و شرطی. مقومش ندم است و شرطش عزم بر عدم عود و بازگشت. گفتیم که این نَدَم جزء در عین حال که مقوم هست با تحلیل خود توبه و رجوع متضمن نَدَم است. نَدَم از توبه جدا نیست لذا میشود مقوم و عدم عود هم همان توبه واقعی باز هم لازمه اش میشود عدم عود به گناه. تایید بر این مطلب شیخ طوسی قدس الله نفسه الزکیه تفسیر آیه ای از آیات توبه میفرماید: التوبة هي الندم علي القبيح مع العزم علي ألا يعود إلي مثله في القبح. [2] این ماحصل بحث گذشته ما بود.

نکته دیگر- مکملات توبه-

توبه مقوم و شرط بر مکمل دارد که اگر آن مکمل نباشد توبه ناقص است و صحت سلب دارد و آن مکمل توبه که از آیات قران استفاده میشود مثلاً عمل صالح یعنی من تاب و عمل صالحاً که در آیات متعددی این تعبیر و شبیه این تعبیر آمده است که خدای متعال

ميفرمايد ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ [3] بعد از توبه عمل صالح آمده است. ﴿إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ [4] و ﴿وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا﴾ [5] و ﴿إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ [6] آمده است من تاب و عمل صالحاً. از اين آيات اين مطلب استفاده شد كه كسى كه توبه كند و عمل صالح انجام بدهد. يعنى عمل صالح مكمل توبه است و اگر عمل صالح نباشد گويا توبه كامل نشده است و در آيات ديگر به اين مضمون آياتى آمده است كه من تاب بعد از توبه و تاب و يتوب عبارت اصلحو بكار رفته است كه اين نکته براى ما، اصلحو هم عبارت آخرى عمل صالح ميشود. طبق تتبع در 10 تا از آيات قرآن بعد از توبه، اصلحو، يك موردش اصلحا آمده است. يك آيه از باب نمونه: ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [7] و ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [8] ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [9] اين آيات تا 10 تا آيه اصلحو آمده است و ﴿أصلحو﴾ هم خانواه با عمل صالح است. چه استفاده شد؟ مطلبى كه استفاده شد اين است كه توبه كى كامل آن است كه عمل صالح در پى داشته باشد. نتيجه اين كه توبه مقوم دارد و ندم است و شرط دارد عزم بر عود است و مكمل دارد كه پس از توبه عمل صالح انجام بدهد. اين استفاده را كه از آيات كرديم تفسير يك آيه را انجام بدهيم. تفسير 3 قسم هست 1- تفسير كتاب بالكتاب 2- تفسير كتاب بالسنة. 3- تفسير كتاب بالأدلة الأربعة. بهترين تفسير تفسير كتاب بالكتاب است. آيه اى آيه ديگر را توضيح تفسير ميكند. مثلاً ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (اللَّهُ الصَّمَدُ) ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ (وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) [10] (اللَّهُ الصَّمَدُ) كه تفسيرش ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ كه گفته ميشود تفسير الصَّمَد است. تفسير قرآن بالقرآن. گاهى هم آياتى با يك معنا يك آيه ديگرى را تفسير ميكند. درباره توبه مضافاً بر مقوم توبه و شرط توبه كه عزم برعدم عود بود يك مكمل هم دارد كه استفاده از خود آيات قرآن مكمل يعنى من تاب و عمل صالحاً كه بعد از توبه عمل صالح انجام دهد و اصلحو نيز آمده است. خداى متعال ميفرمايد: ﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ الشُّوَاءَ بَظَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا) [11] در تفسير کوتاه اينجا آيه ميفرمايد توبه نيست براى كسى كه در حالت احتضار توبه كند زيرا ديگر عمل صالح جا ندارد. مكمل نيست. توبه ناقص است و توبه ناقص صحت سلب دارد. ليست التوبة. شيخ طوسى قدس الله نفسه الزكية ميفرمايد اين آيه اى كه آمده است وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ ، و قال جميع المفسرين، كابن عباس، وابن عمر، و ابراهيم، و ابن زيد، و غيرهم: إن الذين يحتضرون لا تقبل لهم توبة، غير إن الذين يحضرون الميت لا يعرفون تلك الحال معرفة يمكن بها الإشارة إليها. فان قيل: فلم لم تقبل التوبة في الآخرة! قيل: لرفع التكليف، و حصول اللجاج إلي فعل الحسن دون القبيح، و الملجأ لا يستحق بفعله ثواباً و لا عقاباً، لأنه يجري مجرى الاضطرار. [12] جميع مفسرين براين اند كه توبه در حال احتضار درست نيست. عمل توبه محقق نميشود. نفس آمده است به گلو گير كرده است و آخرين لحظات است ميگويد التوبوا إلى الله. وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ. چرا؟ چون توبه كه ديگر عمل صالح در پى دارد در

اینجا زمینه ندارد. مفسرین هم این را فرمودند. شیخ طوسی با توجه به نصوصی که داریم که نصوص میفرماید توبه حتی یک روز حتی در لحظه آخر هم میتواند توبه باشد جمع میکند که در کتاب اصول کافی باب توبه مراجعه بفرمایید در آنجا روایتی است از امام صادق علیه السلام خطاب به محمد بن مسلم که میفرماید تا آخرین لحظه ای که امکان توبه وجود دارد تا آن حالت احتضار توبه جا دارد. این حدیث شریف با این لحن صریح با این آیه ظاهرش طبیعتاً منافات دارد. متن روایت: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: يَا مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ ذُنُوبُ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَابَ مِنْهَا مَغْفُورَةٌ لَهُ فَلْيَعْمَلِ الْمُؤْمِنُ لِمَا يَسْتَأْنِفُ بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ أَمَّا وَ اللَّهُ إِنَّهَا لَيْسَتْ إِلَّا لِأَهْلِ الْإِيمَانِ قُلْتُ فَإِنْ عَادَ بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ عَادَ فِي التَّوْبَةِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَتَرَى الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ يَنْدَمُ عَلَى ذَنْبِهِ وَ يَسْتَغْفِرُ مِنْهُ وَ يَتُوبُ ثُمَّ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَوْبَتَهُ قُلْتُ فَإِنَّهُ فَعَلَ ذَلِكَ مَرَّاراً يُذْنِبُ ثُمَّ يَتُوبُ وَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ فَقَالَ كُلَّمَا عَادَ الْمُؤْمِنُ بِالْإِسْتِغْفَارِ وَ التَّوْبَةِ عَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالْمَغْفِرَةِ (وَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ ... وَ يَعْفُوا عَنِ السَّيِّئَاتِ) فَإِيَّاكَ أَنْ تُقْنَطَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ [13] سند صحیح است. صحیح محمد بن مسلم. عن أبي جعفر امام باقر علیه السلام تمامی گناهی که در هر لحظه ای و هر ساعتی برای انسان بوجود بیاید راهی برای توبه وجود دارد و خدای متعال تا آن لحظه ای که انسان از دنیا می‌رود اگر انسان توبه کند باز هم توبه اش قبول هست.

روایت دیگر: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِسِنَةٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ السَّيِّئَةَ لَكَثِيرَةٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِشَهْرٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الشَّهْرَ لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِجُمُعَةٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْجُمُعَةَ لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِيَوْمٍ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ يَوْمًا لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ يُعَايِنَ قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ. [14] کسی که توبه کند در آن لحظه آخر که دیگر حالت احتضار هست. این نصوص با این آیه چطور جمع میشود. جمع بین این نصوص و این آیه را شیخ طائفه قدس الله نفسه الزکیه در همان منبع بالا. که گفته شد صفحات بعد میفرماید توبه قبول نمیشود به معنای رفع عقاب به توسط توبه اما این مطلب منافات ندارد با عفو الهی. خدای متعال عفو شامِل است و آن عفو تا آخرین لحظه هم امکان شمول برای بندگان گناهکارش دارد. جمعی که بین این نصوص و این آیات اعلام شد گرفتیم که توبه هرچند به آن معنای کاملش محقق نشود نصوص که میفرماید تا لحظه آخر هم امکان دارد معنایش این است که عفو پروردگار تا آخرین لحظه زندگی زمینه دارد. (... إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ) [15] جمع بندی آخر اینکه نتیجتاً معنای توبه را از آیات قرآن گرفتیم.

نکته آخر: در همین آیه شریفه (إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ الشُّوَاءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا) [16] ظاهر آیه این است سوء را بجهالت انجام بدهد. اولاً اینکه به جهالت سوء و سیئه صدق می کند یا نمی کند؟ چون جاهل معذور است. سیئه مال عامد است و ثانیاً توبه فقط مربوط بشود به کسی که از روی جهل گناهی انجام داده است. اگر از روی جهل گناهی انجام داده است. اگر کسی عامداً گناهی انجام داده باشد قابل عفو نباشد. لذا قابل جهالت آنچه که استفاده میشود از تناسب حکم و موضوع و معنای این آیه اینطوری اعلام میشود البته رجاءاً و آن این است که بگوییم

منظور از بَجَهَالَةٍ در برابر عمد نیست. جهل اصطلاحی نیست. بلکه منظور از جهالت آن جهالت انسانی و ذاتی انسان هست که إِنَّه کان ظلوماً جهولاً... (الْإِنْسِيَانُ إِنَّهْ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا) [17] انسانی که ذاتاً جهل است. بَجَهَالَةٍ یعنی گناه را نمیداند و جهل به حقیقت گناه دارد. واقعی گناه و زشتی و قبح گناه را درک نمیکند لذا گناه انجام میدهد. معنا با تناسب حکم و موضوع این میشود. لذا گفته میشود که معصوم که گناه نمیکند و عصمت دارد برای این است که گناه را خوب درک میکند و خوب میشناسد که گناه چقدر کار قبیحی و زشتی است. لذا العصمة ملکه تتنفر بها عن المعاصی. بوسیله عصمت از معاصی تنفر بوجود میاید نه اینکه بلا اختیار تنفر است. درک میکند که گناه چیست. بَجَهَالَةٍ وصفی است که متعلق به انسان عادی است. در برداشت از این آیات این معنا با تناسب حکم و موضوع درست تلقی میشود أضف إلى ذلك شيخ طوسي قدس الله نفسه الزكية در همان منبع یعنی تفسیر تبیان، مطلب را درباره‌ی جهالت شرح داده است. این بَجَهَالَةٍ را. میفرماید که درباره‌ی معنای جهالت 4 قول وجود دارد اما آن قولى که به عنوان قول ال اعلام میشود مضمونش همان بود که برای شما شرح دادم که منظور از بَجَهَالَةٍ یعنی جهل به واقع و حقیقت گناه و زشتی و قبحی که گناه دارد. آنگاه معلوم میشود که از روی عمد باشد یا از روی جهالت در هر صورت میتوان استغفار کرد. قابل عفو و استغفار است. تا اینجا این نتیجه به دست آمد که مساله توبه یک مساله درستی است و توفیق بزرگ و اثر عظیمی دارد از جمله آثاری که دارد علاج هست. علاج از عذاب. طبق آیه قرآن. ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [18]. خدا عقاب نکند آنهایی را که استغفار کنند. اثر اصلی توبه و استغفار رفع خطر و مصونیت از عذاب هست.

والمرتبة الكاملة منها ما ذكره أمير المؤمنين (عليه السلام). متن روایت: حمد بن الحسين الرضي في (نهج البلاغة) عن أمير المؤمنين عليه السلام ان قائلاً قال بحضرته: أستغفر الله، فقال: ثكلتك أمك أتدري ما الاستغفار الاستغفار درجة العليين وهو اسم واقع على ستة معان: أولها الندم على ما مضى، والثاني العزم على ترك العود إليه أبداً، والثالث أن تؤدي إلى المخلوقين حقوقهم حتى تلقى الله عز وجل أملس ليس عليك تبعة، والرابع ان تعمد إلى كل فريضة عليك ضيعتها فتؤدي حقها والخامس ان تعمد إلى اللحم الذي نبت على السحت فتذيبه بالأحزان حتى يلصق الجلد بالعظم وينشو بينهما لحم جديد، والسادس ان تذيق الجسم ألم الطاعة كما أذقته حلاوة المعصية فعند ذلك تقول: أستغفر الله. ورواه الديلمي في (الارشاد) مرسلًا. [19] در این حدیث معنای توبه شرح داده شده است و 6 تا خصوصیت و علامت برای توبه گفته شده است أولها الندم على ما مضى، والثاني العزم على ترك العود إليه أبداً، والثالث أن تؤدي إلى المخلوقين حقوقهم حتى تلقى الله عز وجل أملس ليس عليك تبعة، والرابع ان تعمد إلى كل فريضة عليك ضيعتها فتؤدي حقها والخامس ان تعمد إلى اللحم الذي نبت على السحت فتذيبه بالأحزان حتى يلصق الجلد بالعظم وينشو بينهما لحم جديد، والسادس ان تذيق الجسم ألم الطاعة كما أذقته حلاوة المعصية فعند ذلك تقول: أستغفر الله. سيد طباطبایی میفرماید که مرحله کامله ای است. اما آنچه که مطالعه و دقت در مناسبات گناه و آثار گناه مطالعه میشود این است که توبه ای که امیرالمومنین فرموده اند مربوط میشود به گناهان کبیره بسیار خطیره از قبیل شرک و

قتل و فحشاء و منكرات و ظلم و ايذاء و قتل و هدم تا حدّ كامل كه آن مقدار با آن حجم بالا توبه اى ميطلبد كه 6 تا علامت و 6 تا خصوصيت داشته باشد كه اينجا براى شما گفته شد. در نتيجه يك روايت متذكر شوم. متن روايت: **بَابُ أَنَّ تَرْكَ الْخَطِيئَةِ أَيْسَرُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ 1-** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْبُقْبَاقِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع تَرَكَ الْخَطِيئَةَ أَيْسَرُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ وَ كَمْ مِنْ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ أَوْرَثَتْ حُزْنَ طَوِيلًا وَ الْمَوْتُ فَضَحَ الدُّنْيَا فَلَمْ يَتْرُكْ لِذِي لُبٍّ فَرَحًا. [20] براى يك مومن براى يك ملف ترك خطيئه يعنى مراقبت كه به گناه گرفتار نشود اين آسانتر از اين است كه گرفتار شود و توبه كند. مقدمه اين فصل كامل شد.

مساله اول از مسائل مربوط به أحكام أموات

مسألة ۱: يجب عند ظهور أمارات الموت أداء حقوق الناس الواجبة وردّ الودائع والأمانات التي عنده مع الإمكان، والوصية بها مع عدمه مع الاستحکام على وجه لا يعتريها الخل بعد موته. [21] از واجبات أحكام أموات ميگرمايد اين است كه أداء حقوق الناس. به طور عمده حقوق 3 نوع است. حقوق الناس. حقوق الله. حقوق المشترك بين الله و العبد مثل زکات و خمس كه هم مال مردم و حق مساكين است و هم قصد قربت ميطلبد. سيد ميگرمايد أمارات موت كه مشاهده بشود بايد مبادرت بكند به حقوق ناس. أداء حقوق و قتش موقع ظهور علائم موت نيست بلكه واجباتى است علاج واقعه قبل از وقوع بايد كرد آن ديگه آخرين حدش است. بايد در همين حال حيات و سلامتى و آرامش حقوق الله و حقوق العبد رعايت بشود. سلامتى اقا امام زمان صوات ختم كنيد.

[1] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 278.

[2] تفسير التبيان، الشيخ الطوسي، ج 3، ص 145.

[3] طه/سوره 20، آيه 82.

[4] فرقان/سوره 25، آيه 70.

[5] فرقان/سوره 25، آيه 71.

[6] مريم/سوره 19، آيه 60.

[7] بقره/سوره 2، آيه 160.

[8] آل عمران/سوره 3، آيه 89.

[9] نساء/سوره 4، آيه 146.

[10] سوره توحيد، كل سورة.

[11] نساء/سوره 4، آيه 17 و 18.

[12] تفسير التبيان، الشيخ الطوسي، ج 3، ص 147 و 148.

[13] الكافي- ط الاسلاميه، الشيخ الكليني، ج 2، ص 434.

[14] الكافي- ط الاسلاميه، الشيخ الكليني، ج 2، ص 440.

[15] قصص/سوره 28، آيه 16.

- [16] نساء/سوره 4، آيه 17.
- [17] احزاب/سوره 33، آيه 72.
- [18] انفال/سوره 8، آيه 33.
- [19] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 11، ص 361، أبواب جهاد النفس و ما يناسبه.
- وجوب إخلاص التوبة وشروطها، باب 87، ح 4، ط الإسلامية.
- [20] الكافي- ط الإسلامية، الشيخ الكليني، ج 2، ص 451.
- [21] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 278.